

زمینه های اجتماعی و فرهنگی توسعه و اشاعه فوتبال زنان

سید ناصر حجازی¹
طیبه بابائی شهرکی²

چکیده

توسعه فوتبال زنان یکی از مسائلی است که امروزه در سطح جهان بوده و فصل جدیدی را در جامعه شناسی به خود اختصاص داده است. هدف ما در این پژوهش بررسی زمینه های فرهنگی و اجتماعی است که می تواند توسعه ورزش بانوان در کشورهای مختلف و بویژه توسعه ورزش فوتبال را در پی داشته باشد. برای بررسی این زمینه ها از متغیرهایی چون سطح سلامتی، توسعه استفاده از رسانه های جمعی، آموزش، دموکراسی و نیز توسعه انسانی استفاده شد. این تحقیق به روش تحلیل ثانویه انجام شده و اطلاعات مورد نیاز آن از سایت های اینترنتی فدراسیون بین المللی فوتبال³ و برنامه توسعه ملل متحد⁴ به دست آمد و تجزیه و تحلیل داده ها نیز با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه 18 انجام شد. جامعه آماری ما پاره ای از کشورهای عضو سازمان ملل متحد می باشد که تعداد 33 کشور از آنها با توجه به گزارش توسعه انسانی ملل متحد، و داشتن اطلاعات اجتماعی - فرهنگی و ورزشی مورد نیاز انتخاب شده است. پس از آزمون فرضیه ها همه متغیرهای مستقل ما به جز آموزش و توسعه انسانی رابطه معناداری با توسعه فوتبال زنان داشتند، بنابراین از مجموع 5 فرضیه بررسی شده در این تحقیق، 3 فرضیه (مربوط به متغیر های سلامتی، استفاده از اینترنت و دموکراسی) تأیید و 2 فرضیه دیگر (مربوط به متغیرهای آموزش و توسعه انسانی) رد شد. به طور کلی می توان گفت که مؤثرترین متغیر که بیشترین تأثیر را بر توسعه فوتبال زنان داشته است، شاخص استفاده از اینترنت با مقدار sig 0,01 و ضریب همبستگی 0,38 می باشد و در مقابل شاخص آموزش با مقدار sig 0,21 و ضریب همبستگی 0,14، کمترین تأثیر را بر توسعه فوتبال زنان داشته است.

واژه های کلیدی: عوامل فرهنگی، اجتماعی، ورزش، فوتبال زنان، توسعه

¹ - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

² - دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

³ - FIFA

⁴ - HDR (Human Development Reports)

مقدمه

وجود روح سالم در بدنی سالم، همواره به صورت شعار گونه در جامعه مطرح بوده است. پیش از این توجه به حوزه ورزش و ایجاد عوامل زمینه ای برای مشارکت دادن شهروندان در ورزش و علی الخصوص ورزش های گروهی را شاهد هستیم. روند افزایش ورزشگاهها و باشگاههای ورزشی و اختصاص دادن سهم بیشتری از بودجه کشوری به ایجاد امکانات و شرایط ورزشی نشان از این مهم دارد.

لزوم کار بین رشته ای در زمینه ورزشی وقتی پررنگ تر خود را می نمایاند که پای زنان، یعنی نیمی از جمعیتی به میان بیاید که همواره مناقشات برای حضور پررنگ آنها در جامعه در همه حیطه ها، در طول تاریخ و جوامع وجود داشته است. در جامعه ایران علی الخصوص در سالهای بعد از انقلاب زنان علاوه بر هویت سنتی که داشتند به شناخت بیشتری از توانایی های خود دست یافتند. لازمه قرار گرفتن جامعه در مسیر توسعه نیز به افزایش این شناخت کمک کرد. چنان که آمارها و شواهد نشان از فعالیت های اجتماعی و تخصصی بانوان ایرانی در همه زمینه ها اعم از دانشگاه ها، مشاغل، هنر و سیاست، ورزش و... دارد.

فوتبال به عنوان یکی از مهمترین رشته های ورزشی است که نسل جدید به آن تنها به عنوان ورزش نگاه نمی کنند، بلکه آن را امری فرهنگی - اجتماعی در یک قلمرو زیست محیطی می دانند. وجود فوتبال زنان در جامعه علاوه بر مشارکت آنها در یک ورزش گروهی و مهیج که کارکردهای روانشناسانه زیادی را به همراه دارد و سبب افزایش تندرستی و سلامت و زیبایی بدن آنها می گردد، خود می تواند سبب تغییراتی نگرشی و فرهنگی در جامعه باشد. خارج شدن زنان از دیدگاه های قالبی جامعه مانند بیشتر پدیده های اجتماعی خود دارای آسیب ها و کارکردهای اجتماعی گوناگونی است که با توجه بیشتر به این واقعیت اجتماعی و مطرح کردن آن به عنوان یک مسأله می توان با شناخت این آسیب ها و کارکردها بر نقاط مثبت آن صحنه گذاشت و تا حد امکان آسیب های آن را بررسی و کنترل کرد.

- فوتبال: پارادوکس نوسازی، تحقیقی است که توسط آقای تقی آزاد ارمکی صورت گرفته است و در این پژوهش، فوتبال به عنوان متن نوسازی فرهنگی - اجتماعی مورد توجه قرار می گیرد. از نظر نویسنده، فوتبال متن فراگیری است که بطور داوطلبانه و از طریق نیروهای جدید اجتماعی مطرح می شود و مورد حمایت قرار

می گیرد و بیش از آنکه به عنوان «بازی» مطرح باشد، به عنوان «متن زندگی» در نظر گرفته می شود. در پایان نویسنده براساس رویکرد وبری، به دنبال آن است که نشان دهد شرایط جدید به چه معناست؟ در نتایج این تحقیق به چند موضوع توجه شده است.

الف) جدید بودن پدیده فوتبال

ب) شکل گیری و توسعه جامعه شناسی فوتبال

ج) محوریت فوتبال به عنوان میدان جدی در ایران

د) فوتبال به عنوان متن و نه حاشیه زندگی ایرانی (آزادارمکی: 1381).

- فوتبال و کشف علایم تغییرات فرهنگی، پژوهشی است که دکتر حمید عبدالهیان (استادیار گروه ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران) انجام داده و پدیده فوتبال را به عنوان جریان فرهنگی مورد مطالعه قرار می دهد. وی در این چارچوب به کارکردهای اجتماعی - فرهنگی ورزش فوتبال در ایران می پردازد.

در نتیجه این تحقیق عنوان شده که کلیه مباحثی که در نشست مؤسسه مطالعات ارائه شده، بیشتر یک برخورد نظری را منعکس می کند و فاقد جهت گیری تجربی است. و این نشان می دهد که زمینه ها برای انجام یک طرح تجربی در خصوص تجربه فوتبال در ایران آماده است (عبدالهیان: 1381).

با توجه به اینکه سابقه ی تحقیق جامعی درباره ی این موضوع وجود ندارد و این تحقیق به نوعی درصدد بررسی مسأله جدیدی در جامعه است، کسب اطلاعات اولیه و شناخت دیدگاه ها در این زمینه اهمیت پیدا می کند .

ما نیز در این پژوهش در پی بررسی زمینه های فرهنگی و اجتماعی هستیم که می تواند با توسعه ورزش بانوان و بویژه فوتبال همراه شود. برای بررسی این زمینه ها از متغیرهایی چون توسعه استفاده از رسانه های جمعی، شاخص های آموزش عالی، شاخص های دموکراسی و نیز شاخص های توسعه انسانی بهره خواهیم گرفت.

مبانی نظری

عواملی که به گفته کوکلی در رشد ورزش زنان شرکت داشتند عبارت بودند از:

- 1- جنبش زنان¹ که به گونه ای مطلوب در شیوه ای که ورزشکاران زن توسط دیگران درک می شدند، اثر گذاشت.
 - 2- جنبش برازندگی² که ازدیاد باشگاههای بدن سازی و کلاسهای تمرین فعالیت بدنی را پیشه تفریحی جذابی برای هر دو جنس کرد.
 - 3- به رسمیت شناختن همگانی الگوهای نقش زنانه³ در ورزش، این عوامل به احتمال، آرزوی میلیونها زن از همه سنین و والدین آنها را برآورد تا فعالیت بدنی و ورزش را به عنوان روزنه مناسب و مطلوبی برای تفریح بنگرند (انشل، 1380، 541-539).
- دیدگاه سقراط: سقراط در مورد ورزش و تربیت قوای بدنی متذکر شده که در هیچ پیکار و در هیچ کاری پشیمان نخواهید شد از اینکه قوای خود را تقویت کنید، در کلیه اعمال، بدن مایه کار می آید و قدرت و سلامت آن در درجه اول اهمیت قرار دارد حتی در کارهایی که شما می پندارید بدن کمتر دخیل می باشد یعنی کارهای فکری.
- ژان ژاک روسو تربیت بدنی را مترادف با تعلیم و تربیت و مساوی تربیت حواس دانسته است. ویلکرسون و دودره این دو نظریه پرداز اجتماعی معاصر، طی تحقیقی وظیفه و کارکرد هایی را برای ورزش در جامعه مشخص کرده اند:
- 1- کاهش هیجانات: ورزش راهی است برای اظهار و کاهش هیجانات و رهایی از یاتنش، ورزش به عنوان دریچه اطمینانی است که تمایلات تهاجمی را تلطیف می کند.
 - 2- اثبات هویت: ورزش امکان شناخته شدن ارزش های وجود را فراهم می آورد.
 - 3- کنترل اجتماعی: ورزش وسیله ای برای کنترل افراد در جامعه ای است که انحرافات در آن رواج یافته است.
 - 4- ورزش وسیله ای است برای اجتماعی شدن.

¹-Womens mivement

² - Fitness Boom

³ - femail role models

5- عامل تغییر: ورزش موجب تغییر جامعه، ایجاد الگوهای رفتاری جدید و عاملی است که جریان تاریخ را تغییر می‌دهد مثلاً ورزش، برخورد و رقابت را در افراد مختلف و برتری براساس توانایی و قابلیت را مجاز می‌شمارد.

6- بیداری و آگاهی جمعی: ورزش موجب ایجاد روحیه جمعی است و مردم را به اعتقاد و پیگیری اهداف مشترک رهنمون می‌سازد.

7- موفقیت: ورزش موجب ایجاد احساس موفقیت در تماشاچیان و ورزشکاران است. هنگامیکه موفقیت توسط بازیکن و تیم به دست می‌آید، پیروزی در ورزش مانند پیروزی در زندگی است (رضوی، 1386: 26-22).

- نظریه کارکردگرایی به مطالعه وحدت اجتماعی ایجاد شده از طریق ورزش در بین اجتماعات و گروههای جامعه برای مثال ایجاد وحدت بین طبقات مختلف اجتماعی، توجه می‌کند. همچنین به مطالعه انگیزه پیشرفت و مشارکت افراد در ورزش می‌پردازد. برای مثال به دنبال شناخت علل مشارکت ورزشی و انگیزه ورزشکاران از تلاش طاقت فرسا برای دستیابی به پیروزی در مسابقات است (پارسامهر، 1388، 35).

از نظر کارکردی به نظر پارسونز جدایی بین دو جنس برای حفظ ساخت اجتماعی، آنچنان که هست، و حفظ وضع موجود هدف کارکرد گرایان (فونکسیونالیستها) است. پارسونز و بسیاری دیگر از جامعه شناسان میان آنچه که در جامعه وجود دارد و آنچه که می‌باید باشد، تفکیک قائل نمی‌شوند اما از آنجا که آزادی زنان ممکن است به آشفتگی جامعه امروزی و حاکمان آن منجر شود پس کارکردی ندارد و بنابراین تاثیر منفی بر جامعه خواهد داشت (ریترز، 1374؛ 131).

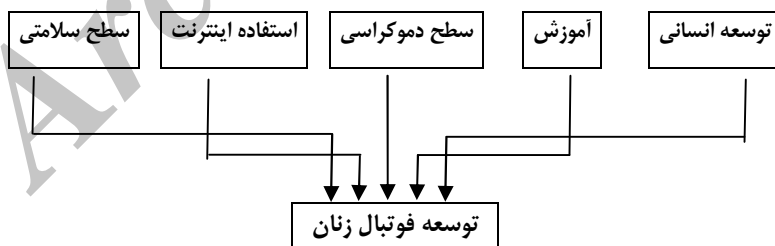
- نظریه کنش متقابل نمادی درحوزه جامعه شناسی ورزش بیشتر به دنبال شناخت این موضوع است که چگونه افراد به عرصه ورزش وارد می‌شوند و چه عوامل اجتماعی در سوق دادن افراد به سوی فعالیتهای ورزشی موثر می‌باشد. آنها به مفاهیمی چون هویت، معنا، عوامل اجتماعی (همچون سلامتی) و خرده فرهنگ های موجود در ورزش توجه می‌کنند.

بنابراین می‌توان گفت وجود شاخصهای دموکراسی می‌توانند درکسب هویت و دادن شناخت به افراد کمک کند. به عبارتی زنان زمانی که نیاز به شناخته شدن و کسب تواناییهای جسمی داشته باشند، به نوعی تقابل درمقابل جامعه دست می‌زنند.

رفتار افراد از دیدگاه کنش متقابل نمادی درحوزه ورزش مانند سایر حوزه های زندگی اجتماعی تحت رابطه مبتنی بر تاثیر و تاثر نیست بلکه رفتار افراد قابل تغییر و قدری غیرقابل پیش بینی می باشد. آنها معتقدند که مشارکت در فعالیتهای ورزشی، مبتنی به یک کنش متقابل معنی دار می باشد که افراد آنرا تجربه می کنند و درطول زندگی اجتماعی آن را می آموزند (دانیل سون، 8، 2004). همچنین شناخت توانمندیهای زنان براساس نظریه کنش متقابل نمادی منجر به بالا رفتن مشارکت آنها و کسب اعتماد از سوی نهادهای دولتی می شود.

- نظریه فمینیستی به دنبال ارزش گذاری برای گروه جامانده (بانوان) از شبکه های اجتماعی جامعه است بطوری که باتغییرات فرهنگی در دیدگاههای جامعه به دنبال تغییرنگرش افکار حاکم نسبت به ورزش بانوان است و مهمترین رکن تغییر نگرش را تغییر در موقعیت اجتماعی زنان می داند که این از طریق افزایش آموزش و تحصیلات بانوان انجام می گیرد به عبارتی، با تغییر هویت اجتماعی زنان و نیاز به کسب سلامت جسمی و روانی آنها جامعه نسبت به این نیاز واکنش نشان می دهد و ورزش برای بانوان امر اجتناب ناپذیر می شود. آنها معتقدند که حقوق برابر برای زنان درجوامع غربی صنعتی نادیده گرفته می شود و تبعیض در برابر افراد به مقتضای جنسیتشان وجود دارد. تفاوت های موجود از نظر آنان امر ذاتی نیست بلکه نتیجه اجتماعی شدن و یادگیری اجتماعی و تخصیص نقشهای جنسیتی خاص به هریک از دوجنس می باشد (ابوت، 1380:55).

مدل تحلیلی:



فرضیه های تحقیق:

1. بین شاخص سلامتی و توسعه فوتبال زنان رابطه وجود دارد.
2. بین شاخص آموزش و توسعه فوتبال زنان رابطه وجود دارد.
3. بین شاخص توسعه انسانی و توسعه فوتبال زنان رابطه وجود دارد.
4. بین میزان استفاده از اینترنت و توسعه فوتبال زنان رابطه وجود دارد.
5. بین سطح دموکراسی و توسعه فوتبال زنان رابطه وجود دارد.

روش تحقیق:

این تحقیق از طریق تحلیل ثانویه انجام می شود (به عبارتی یک تحقیق مقایسه ای است زیرا در واقع می خواهیم چندین کشور را از نظر شاخص های توسعه انسانی، دموکراسی، استفاده از رسانه های جمعی و شاخص آموزش عالی در امر توسعه فوتبال زنان مورد بررسی قرار دهیم). همچنین جهت تدوین مبانی نظری و ادبیات تحقیق از روش اسنادی و کتابخانه ای نیز استفاده شده است.

اطلاعات و آمار مورد نیاز ما در این تحقیق از طریق اطلاعات منتشره در بانکهای اطلاعاتی بین المللی و گزارشهای منتشر شده توسط برنامه توسعه ملل متحد¹ و گزارشهای فدراسیون بین المللی فوتبال FIFA، کسب شده است.

جامعه و نمونه آماری:

جامعه آماری ما پاره ای از کشورهای عضو سازمان ملل متحد می باشد که تعدادی از آنها با توجه به گزارش توسعه انسانی ملل متحد، و داشتن اطلاعات اجتماعی- فرهنگی و ورزشی انتخاب شده است.

در این تحقیق به دلیل اینکه برای بعضی از کشورها اطلاعات اجتماعی و فرهنگی لازم (از جمله سلامتی، آموزش، استفاده از اینترنت، توسعه انسانی، دموکراسی و...) به هیچ عنوان یافت نشد و برای بعضی دیگر از کشورها نیز هیچگونه اطلاعات ورزشی در دست

¹ -Human Development Reports

نداشتیم، لذا تعداد 33 کشور که حایز شرایط فوق بودند به عنوان نمونه آماری ما در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفتند.

یافته های تحقیق:

فرضیه شماره یک - بین افزایش شاخص سلامتی و توسعه فوتبال زنان رابطه معناداری وجود دارد

جدول شماره (1) نشان می دهد دو متغیر از شدت رابطه نسبتا قابل قبولی برخوردارند و شیب خط رگرسیون در نمودار پراکندگی نیز نشان می دهد که هر چه میزان شاخص سلامتی بالاتر باشد، میزان توسعه فوتبال زنان افزایش می یابد.

جدول (1) ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون فرضیه اول

شاخص سلامتی	توسعه فوتبال زنان		
0,298(*)	1	ضریب همبستگی پیرسون	توسعه فوتبال زنان
0,046	0	سطح معنی داری	
33	33	تعداد	
1	0,298(*)	ضریب همبستگی پیرسون	شاخص سلامتی
0	0,046	سطح معنی داری	
33	33	تعداد	

فرضیه شماره دو - بین افزایش شاخص آموزش و توسعه فوتبال زنان رابطه معناداری وجود دارد

بین متغیر مستقل آموزش و توسعه فوتبال زنان رابطه معناداری به دست نیامد اما شیب خط رگرسیون در نمودار پراکندگی مربوط به این آزمون، مثبت بود که نشان می دهد هر چه کشورهای مورد بررسی از نظر شاخص آموزش بالاتر باشند از نظر توسعه فوتبال زنان در وضعیت بهتری قرار می گیرند

جدول (2) ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون فرضیه دوم

شاخص آموزش	توسعه فوتبال زنان		
0,143	1	ضریب همبستگی پیرسون	توسعه فوتبال زنان
0,213	0	سطح معنی داری	
33	33	تعداد	
1	0,143	ضریب همبستگی پیرسون	شاخص آموزش
0	0,213	سطح معنی داری	
33	33	تعداد	

فرضیه شماره سه - بین شاخص توسعه انسانی و توسعه فوتبال زنان رابطه معناداری وجود دارد

بین شاخص توسعه انسانی و توسعه فوتبال زنان نیز رابطه معناداری به دست نیامد اما باز هم شیب خط رگرسیون در نمودار پراکندگی مربوط به این آزمون، مثبت بود که نشان می دهد هر چه کشورهای مورد بررسی از نظر شاخص توسعه انسانی در سطح بالاتری باشند از نظر توسعه فوتبال زنان نیز در وضعیت بهتری قرار می گیرند

جدول (3) ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون فرضیه سوم

شاخص توسعه انسانی	توسعه فوتبال زنان		
0,266	1	ضریب همبستگی پیرسون	توسعه فوتبال زنان
0,067	0	سطح معنی داری	
33	33	تعداد	
1	0,266	ضریب همبستگی پیرسون	شاخص توسعه انسانی
0	0,067	سطح معنی داری	
33	33	تعداد	

فرضیه شماره چهار - بین شاخص استفاده از اینترنت و توسعه فوتبال زنان رابطه معناداری وجود دارد

پس از آزمون، استفاده از اینترنت هم یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر توسعه فوتبال زنان شناخته شد و میان دو متغیر شاخص استفاده از اینترنت و توسعه فوتبال زنان رابطه معناداری به دست آمد به این صورت که هر چه در کشورهای مورد بررسی میزان استفاده از اینترنت بالاتر باشد، فوتبال زنان نیز توسعه یافته تر می باشد.

جدول (4) آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای فرضیه چهارم

استفاده از اینترنت	توسعه فوتبال زنان		
0,381(*)	1	ضریب همبستگی پیرسون	توسعه فوتبال زنان
0,014	0	سطح معنی داری	
33	33	تعداد	
1	0,381(*)	ضریب همبستگی پیرسون	استفاده از اینترنت
0	0,014	سطح معنی داری	
33	33	تعداد	

فرضیه شماره پنج - بین شاخص دموکراسی و توسعه فوتبال زنان رابطه معناداری وجود دارد

پس از آزمون، دموکراسی هم یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر توسعه فوتبال زنان شناخته شد و میان دو متغیر شاخص دموکراسی و توسعه فوتبال زنان رابطه معناداری به دست آمد به این صورت که کشورهایی که از لحاظ دموکراسی در سطح بالاتری قرار گرفته اند، از نظر توسعه فوتبال زنان نیز در وضعیت بهتری قرار دارند.

جدول (5) آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای فرضیه پنجم

شاخص دموکراسی	توسعه فوتبال زنان		
0,294(*)	1	ضریب همبستگی پیرسون	توسعه فوتبال زنان
0,049	0	سطح معنی داری	
33	33	تعداد	
1	0,294(*)	ضریب همبستگی پیرسون	شاخص دموکراسی
0	0,049	سطح معنی داری	
33	33	تعداد	

بحث و نتیجه گیری:

پس از تجزیه و تحلیل آماری نتایجی که از داده های تحقیق استخراج شد به این شرح است:

بین دو متغیر شاخص سلامتی و توسعه فوتبال زنان رابطه معناداری به دست آمد به این صورت که هر چه میزان شاخص سلامتی بالاتر باشد، میزان توسعه فوتبال زنان نیز افزایش پیدا می کند. در بحث پیرامون این فرضیه می توان گفت که شاخص سلامتی، متغیری مهم و قابل تأمل در امر توسعه فوتبال زنان است و باید توجه بیشتری به آن گردد. نظریه باور تندرستی "ایروینگ" تئوری حمایت انگیزشی "راجرز" و تحقیقات مادوکس. ورتل و شارنایسکه به چگونگی ورود افراد به عرصه ورزش و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، توجه می کند و به متغیر سلامتی می پردازند، همسو با یافته های تحقیق دانست.

دموکراسی هم یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر توسعه فوتبال زنان شناخته شد و میان دو متغیر شاخص دموکراسی و توسعه فوتبال زنان رابطه معناداری به دست آمد به این صورت که کشورهایی که از لحاظ دموکراسی در سطح بالاتری قرار گرفته اند، از نظر توسعه فوتبال زنان نیز در وضعیت بهتری قرار دارند. این واقعیت گویای آن است که همانگونه که می دانیم متغیر دموکراسی نقش به سزایی در توسعه همه جانبه جامعه و همین طور توسعه فوتبال زنان به عنوان یکی از عوامل پیشرفت و توسعه جامعه دارد. بنابراین باید بیش از پیش به افزایش این شاخص در جوامع مختلف اهمیت داده شود و سعی دولت ها بر بالا بردن سطح دموکراسی به معنای واقعی آن باشد. بدین صورت که

مردم را به مشارکت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی هرچه بهتر و بیشتری دعوت کنند و زمینه لازم را برای برگزاری انتخابات سالم در موارد متفاوت مهیا نموده، شرایط فعالیت احزاب با عقاید مختلف و مطبوعات با عقاید متضاد و منتقدانه را فراهم سازد تا بستر رقابتی سالم در همه زمینه‌ها برای همگان در جامعه فراهم گردد و همه افراد در زمینه‌های مختلف از جمله ورزش و فوتبال مشارکتی فعال داشته باشند. به این ترتیب براساس نظریه تضاد ایجاد حس مشارکت در ورزش در بین بانوان نیاز به افزایش خلاقیت ایجاد یک سری پتانسیل و توانمندی در بین افراد دارد که این تابع شرایط مکانی و زمانی خاصی که فرد در آن بسر می برد، می باشد و نظریه پردازان فمینیستی که به دنبال ایجاد شرایط برای حضور زنان و کسب قدرت توسط زنان هستند و رفع این مانع را منوط به نبود فرصت‌های نابرابر در جامعه می دانند و به نوعی اعتقاد به وجود دموکراسی و ارتقای ورزش بانوان دارند می توان گفت فرضیه دموکراسی در این نظریه‌ها به خوبی قابل تبیین می باشد.

بین متغیر مستقل آموزش و توسعه فوتبال زنان رابطه معناداری به دست نیامد اما شیب خط رگرسیون در نمودار پراکندگی مربوط به این آزمون، مثبت بود که نشان می دهد هر چه کشورهای مورد بررسی از نظر شاخص آموزش بالاتر باشند از نظر توسعه فوتبال زنان در وضعیت بهتری قرار می گیرند. در تبیین این فرضیه، می توان گفت که با وجود آنکه انتظار می رفت هرچه شاخص آموزش افزایش می یابد، میزان توسعه فوتبال زنان نیز بیشتر گردد، ولی آزمون پیرسون، چنین فرضی را رد کرد. این فرضیه در نظریه فمینیستی که به دنبال ارزش گذاری برای قشر زنان است و به بالا بردن سطح آموزش زنان تأکید می کند، قابل تبیین و بررسی است.

در خصوص رابطه بین دو متغیر شاخص توسعه انسانی و توسعه فوتبال زنان نتایج حاصل از آزمون این فرضیه که باز هم وجود رابطه ای ضعیف و غیر قابل قبول را نشان داد که به لحاظ آماری معنادار نبود. این فرضیه نیز مانند فرض قبلی رد شد و متوجه شدیم که افزایش شاخص توسعه انسانی، تأثیر چندانی بر توسعه فوتبال زنان ندارد. برای بالا بردن توسعه فوتبال زنان باید به دنبال متغیرهای اثرگذار بهتری غیر از دو متغیر قبلی باشیم یا حداقل این دو متغیر را از جنبه های دیگری ارزیابی کرده و تأثیر آن ها را بر توسعه فوتبال زنان مورد آزمون قرار دهیم.

استفاده از اینترنت هم یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر توسعه فوتبال زنان شناخته شد و میان دو متغیر شاخص استفاده از اینترنت و توسعه فوتبال زنان رابطه معناداری به دست آمد به این صورت که هر چه در کشورهای مورد بررسی میزان استفاده از اینترنت بالاتر باشد، فوتبال زنان نیز توسعه یافته تر می باشد. این موضوع نشان می دهد افزایش استفاده از رسانه های جمعی و از میان آنها اینترنت باعث افزایش سطح آگاهی زنان از مسائل مختلف از جمله ورزش و فوتبال گردیده و زنان را از مزایای مشارکت ورزشی مطلع می کند. این مسأله سبب می شود که زنان با شناختن زنان ورزشکار دیگر در سراسر جهان و آگاهی از پیشرفت ها و موفقیت های آنان و نیز مشاهده گسترش روزافزون گرایش به رشته های ورزشی زنان در این مورد تشویق و ترغیب گردند و بیشتر به ورزش و به خصوص فوتبال روی آورند و برای کسب موفقیت در رشته مورد علاقه خود و رسیدن به موقعیت اجتماعی و فرهنگی بهتر، حداکثر تلاش خود را بنمایند. طبق نظریه کنش متقابل نمادی زمانی به یک کنش متقابل می توان دست پیدا کرد که تبلیغات رسانه های جمعی برای ارزشی کردن ورزش، تعامل و کنش گروههای مختلف جامعه به خصوص بانوان را در پی داشته باشد همچنین این کنش برای اجتماعی شدن نیاز به یک درک تفهیمی، یعنی همان برداشت خاص از ورزش، دارد. بنابراین براساس مطالب مطرحه فرضیه رسانه جمعی (اینترنت) در نظریه فوق قابل تبیین می باشد.

بطور کلی همانگونه که از نتایج آزمون فرضیات مورد بررسی مشاهده کردیم می توان گفت که مؤثرترین متغیر در این تحقیق که بیشترین تأثیر را بر توسعه فوتبال زنان داشته است، شاخص استفاده از اینترنت است با مقدار $0,01 = sig$ و مقدار ضریب همبستگی $0,38$ و بالاترین مقدار ضریب در میان متغیرها را دارد، پس از آن متغیرهای سلامتی و دموکراسی هر دو با مقدار $0,04 = sig$ و مقدار ضریب همبستگی $0,30$ قرار دارند. در مقابل شاخص آموزش با $0,21 = sig$ و ضریب همبستگی $0,14$ ضعیفترین و کمترین اثر را بر متغیر وابسته یعنی توسعه فوتبال زنان داشته، پس از آن هم متغیر توسعه انسانی با مقدار $0,06 = sig$ و مقدار ضریب همبستگی $0,26$ دارای کمترین تأثیر بر توسعه فوتبال زنان بوده است.

نتایج تحقیق حاضر مبین این واقعیت است که نگرش مسؤولان و مدیران نسبت به توسعه فوتبال زنان و تشویق زنان به مشارکت ورزشی، تدوین برنامه های آموزشی در خصوص ورزش زنان (بویژه فوتبال)، آموزش و آگاه سازی زنان نسبت به اثرات ورزش بر

جسم و روان ایشان اصلاح و نسبت به ترویج شیوه های مسؤولیت پذیری و شناخت هر چه بیشتر حقوق انسانی در این ارتباط اهتمام داشته، در گسترش روحیه مشارکت جویی زنان و نسل جوان کوشا باشند.

با توجه به نقش رسانه های گروهی و برنامه های سیاسی و اجتماعی آنها در افزایش آگاهی اجتماعی و فرهنگی و اثرات آن بر ایجاد حس مسؤولیت پذیری، عام گرایی و گسترش فرهنگ اهتمام به ورزش، رشد و گسترش کمی و کیفی رسانه ها از طرف دولت و مردم باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

Archive of SID

منابع:

- آزاد ارمکی، تقی (1381)، فوتبال: پارادوکس نوسازی، نامه علوم اجتماعی، شماره 19.
- آقاپور، سید مهدی (1368)، جامعه شناسی ورزش، تهران، انتشارات سازمان تربیت بدنی.
- انشل، مارک، ایچ (1380)، روانشناسی ورزش از تئوری تا عمل، ترجمه سیدعلی اصغر مسدد، تهران، انتشارات اطلاعات
- انورالخولی، امین (1381)، جامعه شناسی ورزش، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران، انتشارات سمت.
- پارسامهر، مهربان (1388)، جامعه شناسی ورزش، یزد، انتشارات دانشگاه یزد، عات
- پارسامهر، مهربان (1385)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیت های ورزشی (مطالعه موردی استان مازندران)، پایان نامه دکتری جامعه شناسی دانشگاه اصفهان.
- رحمانی نیا، فرهاد؛ حجتی، زهرا (1387)، زن، ورزش و تندرستی، تهران، انتشارات بامداد کتاب
- رضوی مبارکه، سید محمدتقی (1386)، بررسی نقش مشارکت و اشتغال به ورزش در کاهش انحرافات جوانان پسر در شهر مبارکه، پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی علوم اجتماعی، دانشگاه دهقان
- ریتزر، جورج (1384)، نظریه های جامعه شناسی معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر (1378)، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عبدالهیان، حمید (1381)، فوتبال و کشف علائم تغییرات فرهنگی، نامه علوم اجتماعی، شماره 19.
- لیکر، آنتونی (1384)، فراتراز مرزهای تربیت بدنی، ترجمه الهام روشن، تهران، انتشارات بامداد کتاب
- مرکز تحقیقات صدا و سیما (1373)، ورزش بانوان، سایت ورزش زنان.
- Danielson, R, R. (2004), sport sociology, <http://Danielson>.
- <Http://www.FIFA.Com/Players>.
- Http://www.FIFA.Com/BIG_COUNT_SUMMARY
- Laker, A. (1995), Effective teaching behaviors of physical education student teachers.
- Van Dalen. D.B. and Bennett, B.L. (1971), World history of physical education: Cultural, philosophical, comparative. Englewood cliffs, NJ: prentice-Hall, Inc.